

# «چهنو»، راه آب کهنِ شهر



نمای مسجد «خوردو»، حضرت صاحب الامر (عج)، مشهور به «سه دره»



نمای کوچه «چهنو» ۱۵»



نمای خانه دوره پهلوی اول، واجدارزش کوچه «چهنو ۲۱»



سنگ کتیبه مسجد «حضرت ولی عصر (عج)» یا «با بلند» (بنا شده روی چاه‌نو)



کتیبه وقف نصب شده روی دیوار کوچه مقابل «چهنو ۶»

رضا سلیمان نوری | مشهد را به عنوان شهری که ساختار ابتدایی آن در نزدیکی کشف‌رود باستانی بنا شده است می‌شناسند، اما با گذشت زمان از توان آبی این رودخانه کاسته شد. تاجایی‌که در سده‌های اخیر، مردم آب شهر را ابتدا از طریق قنات‌ها و سپس چاه‌ها و سدها تأمین می‌کردند؛ درست به همین دلیل هم آب از جایگاه بسیار بالایی در نام‌گذاری مناطق سکونت‌ی شهری و روستایی دشت مشهد برخوردار بود و در اسامی متعددی مانند «خین‌عرب» یا «خین‌چماقی» از کلمه «خین، به معنی چشمه آب در معرفی نقاط جغرافیایی این خطه استفاده شده است. «چاه» دیگر کلمه‌ای‌ازگوکننده اهمیت آب در زندگی مردم مشهد است.

این کلمه نه تنها در نام روستاهایی چون «چاه خاصه»، «چاهشک»، «چاه ملا» و «نوجاه» مورد استفاده قرار گرفته که برای معرفی برخی از نقاط این شهر هم کاربرد داشته است. برای نمونه، کوچه «چهنو» که مخفف «چاه‌نو» است و اکنون در خیابان «امام‌رضا(ع) قرار دارد، هنوز هم به‌رغم باقی‌نماندن هیچ چاهی در آن، به این نام خوانده‌می‌شود و نام «چهنو» بر تابلوی نصب‌شده در ابتدای آن خودنمایی می‌کند.

## عصر قاجار و کوچه «بالای قبرستان عیدگاه»

این کوچه یکی از مسیرهای قدیمی مشهد محسوب می‌شود که در عمر طولانی خود با اسامی رسمی مختلفی شناسایی شده اما همیشه یک نام عمومی و مردمی داشته و آن «چهنو» است؛ با این همه، براساس اسناد موجود، از این کوچه در دوره‌ای از زمان، یعنی سال‌های ابتدایی عصر قاجار در نوشته‌های دولتی با نام کوچه «بالای قبرستان عیدگاه» نام برده شده است. دلیل این نام‌گذاری هم قرار گرفتن این مسیر در جنوب قبرستان قدیمی «عیدگاه» بوده است.

دیگر نام ثبت‌شده برای این کوچه در اسناد، «اسماعیل عتیقه‌چی» است که البته در سال‌های ابتدای دوران پهلوی و تنها برای بخش غربی کوچه (محدوده پس از کوچه «مشیر» یا همان «چهنو ۱۷» کنونی) کاربرد داشته است. کوچه «تکیه میرزا حسن» و همچنین کوچه «تکیه علی اکبری» هم دیگر نام‌های این کوچه به ترتیب در سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی دوم بوده است. عنوان کوچه «مسجد جفایی» هم برای مدت کمی و در اوایل دهه پنجم قرن ۱۴ خورشیدی و پس از ساخت مسجد جفایی در حاشیه خیابان امام‌رضا(ع) کاربرد پیدا کرد. اکنون نیز بر تابلوی نصب‌شده در ابتدای این کوچه

از سمت خیابان «امام‌رضا(ع)» عنوان «امام‌رضا(ع)» از سمت کوچه «سرشور» عنوان «سرشور ۲۴» حک شده است. با همه این توضیحات و در کل این دوران‌ها، مردم محلی و اغلب مردم مشهد این کوچه را به نام «چهنو» می‌شناسند و به همین دلیل نه تنها بر تابلوی ورودی کوچه از سمت خیابان «امام‌رضا(ع)» این نام در کنار عنوان «امام‌رضا(ع)» حک شده که در بسیاری از موارد در هنگام تنظیم اسناد دولتی، بعد از ذکر نام رسمی کوچه، در پرانتز عنوان «چهنو» برای تعیین دقیق کوچه مورد نظر ذکر شده است.

## «چهنو»، مسیری که از کنار قبرستان می‌گذشت

وضعیت کوچه «چهنو» در سال‌های قبل از حکومت قاجارها به صورت دقیق مشخص نیست؛ این امر ناشی از کمبود منابع نوشتاری توصیفگر شهر مشهد، تغییر و تحول بسیار روایت‌های شفاهی باقی‌مانده از آن دوران و نبود نقشه دقیقی از مشهد قبل از دوران قاجار است، اما با وجود این، شواهد باقی‌مانده بازگوکننده این نکته است که کوچه «چهنو» کنونی یا همان کوچه بالای قبرستان عیدگاه، در آن زمان وجود داشته و تنها مسیر ارتباطی دو محله «چهنو» و «عیدگاه» بوده است.

## مسجد «پابلند» و چاه عمیقی در همسایگی آن

وضعیت کوچه «چهنو» در دوران قاجاری، به‌ویژه در عهد ناصرالدین شاهی، به دلیل وجود چند نقشه از مشهد آن دوران تا حد بسیاری مشخص است. براساس نقشه دالمج (ترسیم‌شده در سال ۱۲۴۸ خورشیدی) این مسیر دارای هشت فرعی جنوبی و هفت کوچه فرعی شمالی بوده است که از این جمع، دو کوچه جنوبی به مسیر «بی‌باره» (باروی مشهد) ختم می‌شده است و بقیه بن بست بوده‌اند. برابر این نقشه، در این دوران، دو قراول‌خانه



موقعیت کوچه چهنو بر نقشه سال ۱۳۲۰ خورشیدی

در این مسیر وجود داشته است؛ همچنین تنها منبع آب آن دوران، یعنی «حوض آبی» هم در میانه‌های کوچه بوده است که بعدها مسجد «بقیه‌ا...» را بالای آن می‌سازند. مهم‌ترین بنای ایجادشده در این کوچه تا سال ۱۲۰۰ خورشیدی هم مسجد موسوم به «پابلند» است که برپایه کتیبه نصب‌شده در بیرون این مسجد قبل از سال ۱۲۶۴ خورشیدی احداث شده است. سندی وجود دارد که نشان می‌دهد در این سال منزل قرارگرفته در زیر مسجد، توسط فردی که نامش را فرزند محمدبیک مزدورانی نوشته‌اند، وقف ساخت مسجد شده است.

اطلاعات سندوقفی این منزل مسکونی و همچنین برخی گفته‌های اهالی قدیمی کوچه بازگوکننده این واقعیت نیز هست که مسجد «پابلند» در مجاورت چاه عمیقی قرار داشته است. گویا مردم این چاه را برای تأمین آب شرب مناطق جنوبی قبرستان «عیدگاه» ساخته بودند؛ به همین دلیل هم این کوچه به «چاه نو» یا به صورت مخفف «چهنو» معروف شده است. منفک بودن این چاه از سیستم تأمین آب مبتنی بر قنات و آب‌انبار مشهد موجب خاص بودن و معروف شدن آن نیز شده بود. وضعیت این کوچه در سال‌های بعد از احداث مسجد «پابلند» تا انتهای دوران قاجارها تغییر چندانی نداشته و تنها مسجد «بقیه‌ا...» بر بالای حوض آب قدیمی این کوچه احداث شده است تا ساکنان این مسیر به فاصله زمانی اندکی دو محل عبادت داشته باشند.

## بازسازی مساجد قدیمی و حذف بقایای چاه نو

نخستین و مهم‌ترین تغییر ایجادشده در کوچه «چهنو» در سال‌های ابتدایی سده ۱۴ خورشیدی جدایی این مسیر از محدوده «عیدگاه» و الحاق کامل آن به محله «سرشور» است. این مهم با تخریب قبرستان «عیدگاه» و ایجاد خیابان فردوسی (امام‌رضا(ع) کنونی) رخ داد که در جریان آن بخشی از کوچه «چهنو» از بین رفت. به مرور زمان قطعات مسکونی بزرگ این محدوده به واحدهای کوچک‌تر تقسیم‌شدند که خود این موضوع سبب افزایش تعداد کوچه‌های فرعی این مسیر شد. براساس آنچه در نقشه سال ۱۳۳۳ مشهد ترسیم شده، در این سال، کوچه «چهنو» دارای چهارده فرعی شمالی و یازده فرعی جنوبی بوده است که از این تعداد تنها دو فرعی بن بست نبودند. در ادامه، با از رونق افتادن دو قراول‌خانه موجود در کوچه و سپس تبدیل آن‌ها به بناهای مسکونی و تجاری، احداث حمام بزرگ‌ترک هادر میانه مسیر به عنوان مهم‌ترین سازه بهداشتی کوچه و احداث مسجد کوچک «صاحب‌الامر(ع)» موسوم به مسجد «سه دره» و شکل و شمایل این کوچه در دهه‌های نخست سده ۱۴ خورشیدی با تغییرات بسیاری همراه شد؛ همچنین در این سال‌ها و با مهاجرت شمار درخور توجهی از ایرانیان ساکن آذربایجان به خراسان، تکیه «میرزا حسن» که مدتی‌ها شده بود، با نام حسینیّه «علی اکبری‌های سرشور» احیا و به محفلی برای عزاداری

آذربایجانی‌ الاصل‌های مقیم مشهد تبدیل شد. در همین سال‌ها مسجد «پابلند» هم با اجازه کتبی مرحوم آیت‌ا... میلانی تخریب و بازسازی شد تا پس از آن به عنوان مسجد «ولی عصر(ع)» به فعالیت ادامه دهد. ناگفته نماند در جریان این عملیات ساختمانی، بقایای چاه آب موسوم به «چهنو» هم نابود شد و به خاطره‌ها پیوست. کوچه «چهنو» در سال‌های پایانی این دوره شاهد تحولی دیگر بود. در جریان این تحول که ناشی از تخریب‌های صورت‌گرفته در جریان بهسازی حرم مطهر رضوی از سوی عبدالعظیم ولیان بود، تعدادی از حسینیّه‌های زائرپذیر تخریب‌شده در اطراف حرم مطهر رضوی در این محدوده احیا شدند که مهم‌ترین آن‌ها «رضویه گیلانی‌ها» بود. این امر خود در سال‌های بعد توجه مالکان اقامتی‌های زائرپذیر را به این کوچه جلب کرد. سرانجام اینکه ایجاد مسجد «جفایی» در حاشیه خیابان «امام‌رضا(ع)» و مجاور ورودی کوچه «چهنو» و همچنین انجمن «علوم دینی باقر العلوم» در نخستین کوچه فرعی جنوبی این مسیر باعث‌شد این محدوده مورد توجه محافل مذهبی مخالف رژیم قرار گیرد. به نحوی که در سال‌های ۵۶ و ۵۷ کوچه «چهنو» از مسیرهای عمده هماهنگی و تدارکات‌رسانی به‌راهمیامان معترض حکومت پهلوی محسوب می‌شد.

## تخریب «حمام ترک‌ها» و ایجاد یک مجتمع اقامتی خصوصی

کوچه «چهنو» در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مانند اغلب کوچه‌های مشهد دو دوران سکون و تغییر را پشت سر گذاشته است. در نخستین این دوره‌ها که تقریباً تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت، بافت کوچه شاهد کمترین تغییر و تحول بود و تنها در چند مورد محدود خانه‌های مسکونی توسط مالکان تخریب و تبدیل به بناهای مطابق با شرایط روز شد اما در دوره بعد که تاکنون نیز ادامه دارد،



موقعیت کوچه چهنو بر نقشه قاجاری مشهد

مخالفان برای از میان برداشتن آن صدراعظم مدتر، دست به دامان مادر شاه و مادرزن امیرکبیر شوند. این جنین بود که با مدیریت ظاهری مهدعلیا و میدان‌داری افرادی مانند میرزا آقاخان نوری، زمینه بدبینی به صدراعظم در ناصرالدین شاه که حالا در شرف ورود به نوزدهمین بهار زندگی‌اش بود، فراهم شد. ابتدا امیرکبیر را از صدارت برکنار کردند و سپس، در حالت مستی، حکم قتل میرزاتقی‌خان را از شاه گرفتند. برخی معتقدند که مدیریت صحنه آخر، کاملاً با مهدعلیا بود. او برای تثبیت قدرتش، حتی به دو نوه کوچکی که از تنهادخترش داشت، رحم نکرد و بر سر آن‌ها گردیتیمی افشاند؛ به این ترتیب، در ۲۰ دی ماه سال ۱۲۲۰ خورشیدی، میرزا علی‌خان با حکم شاه خود را به کاشان رساند و در حمام فین، شد آن‌چه نباید می‌شد. مهدعلیا ۲۲ سال بعد از قتل دامادش هم زنده ماند و اقتدار خود را حفظ کرد. او در ۱۳ خرداد سال ۱۲۵۲ خورشیدی، در حالی که ۶۸ سال از عمرش سپری شده بود، درگذشت. بیکر وی را در قم و در آرامگاه محمدشاه قاجار دفن کردند. در تصویر امروز، عکسی از مهدعلیا را در اواخر عمر می‌بینید که توسط آنتوان سوربوگین، عکاس گرجی تبار و نامدار عهد قاجار، برداشته شده است.

## مادرزن دامادگش

دست می‌شد، مهدعلیا بعد از ورود پسرش، چنین فکر می‌کرد که زمامداری وی، همچنان تداوم خواهد داشت. او زنی باسواد و اهل مطالعه بود و می‌گفتند که حتی زبان روسی و فرانسوی می‌داند. اما کاخ آمال وی در رودرویی با مربی فرزندش به ناگاه فرو ریخت. میرزاتقی‌خان فراهانی که بعد از ورود به تهران به امیرکبیر ملقب شد، چنان مهار امور را به دست گرفت و از درباریان نسق کشید و نظم آهنین خود را پیاده کرد که مهدعلیا مجالی برای عرض اندام نیافت. مشهور است که در ابتدا، به دنبال سازش با امیر بود و حتی به ازدواج با او فکر می‌کرد تا بتواند به اتفاق او حکومت را اداره و قدرتش را حفظ کند؛ اما پیشنهاد ناصرالدین شاه برای ازدواج صدراعظمش با «عزت‌الدوله» کار را خراب کرد. عزت‌الدوله خواهر تنی شاه قاجار و دختر مهدعلیا بود؛ به این ترتیب، امیرکبیر به عنوان داماد مهدعلیا، در زمره کسانی قرار گرفت که مادر قدرتمند ناصرالدین شاه تاب دیدنشان را نداشت. ملک جهان‌خانم به‌تدریج جمعی از مخالفان سرسخت امیرکبیر را گرد جمع کرد که برخی از آن‌ها مانند «میرزا آقاخان نوری»، ارتباطی گسترده با سفارت انگلیس داشتند و حتی تابعیت این کشور را اخذ کرده بودند. قدرت میرزاتقی‌خان و محبوبیت او نزد شاه، باعث شد که

مرضیه ترابی| ملک جهان‌خانم دختر امیرمحمد قاسم خان قاجار قواولو و «پیگم جان» (دختر فتحعلی شاه) بود. داشتن جایگاه نوه دختری دومین شاه قاجار، به او این موقعیت را داد که در شانزده سالگی به عقد پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه در بیاید، هم او که چندی بعد با نام محمدشاه یا «محمد دوم» جانشین پدر بزرگش (فتحعلی شاه) شد.

ملک جهان‌خانم پیش از آنکه در ۲۵ سالگی ناصرالدین میرزا (ناصرالدین شاه بعدی) را به دنیا بیاورد، سه فرزند آورد که عمرشان به دنیا نبود. مورخان ملک جهان‌خانم را به سیاست و کیاست ستوده‌اند. این شهرت بیهوده نیست؛ وی بعد از مرگ شوهرش، در بحبوحه سر برداشتن فرزندان فتحعلی‌شاه برای تصاحب تاج و تخت، مانند گرگ باران دیده‌امور پایتخت را برعهده گرفت و تا رسیدن پسرش از تبریز به تهران، ۴۵ روز فرمانروای حقیقی کشور بود. ملک جهان‌هر شورشی را در نطفه خفه کرد و با مساعدت خانواده‌اش، افسار حکومت را محکم به دست گرفت. او بعد از ورود ناصرالدین میرزا شازده ساله به تهران و تاج‌گذاری‌اش با عنوان ناصرالدین شاه، «مهدعلیا» ملقب گرفت، لقبی که از دوره تیموری میان زنان قدرتمند درباری دست به

فوتو  
ایران



۲۳ شنبه

۵ آذر ۱۴۰۳  
۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۲۵  
شماره ۳۳۹

۱۵



تاریخ و هویت